

یادداشت

فاشیسم اجتماعی

دموکراسی مضحکه می‌شود، آزادی بیان تسمخر می‌شود، فکر و اندیشه تحقیر می‌شود. همه باید سر اطاعت در برابر آنان فرود آورند. فاشیسم اجتماعی، توده‌ای است، مردم علیه مردم است، دشنه‌ای برهنه بر سر هر کوی و برزن است، آتشی افروخته بر سرای هر خانه و کاشانه است و همه زندگی را در پستوی خانه، در پس کوچه و در کف خیابان دربرمی‌گیرد. دشنامی است بر انسانیت انسان که هماره می‌بارد. فاشیسم، فلج می‌کند؛ نه‌فقط پای را، که ستون فقرات جامعه را. هراس می‌افکند تا ساکت کند، بی‌شرمی می‌کند تا حیا را از سکه براندازد. فاشیسم امروزین در سایه افول اخلاقی، بی‌پروا تر از هر زمان دیگر است. اگر زشتی اندیشه‌اش را بر رخ او بکشی، فاش می‌گویی که «آری! زشتم». اگر پلیدی را و پاره‌پاره‌شدن سرزمین را و فساد سرکردگان‌ش را و زجر مردمان در جنگ را به رخ او برکشی، با غرور می‌گویی که آری این چنینم و همه چیز را برای خود قربانی می‌کنم. فاشیسم اعتمادبه‌نفسی کور دارد، همه را از پیش محکوم و هرونه ارتباطی را ناممکن می‌کند. فاشیسم اجتماعی، شکست زبان است و گفت‌وگو با قربانیان آن ناممکن است. پیش و بیش از آنان باید با دیگران سخن گفت، باید نهاد سیاسی ایجاد کرد، گروه‌های مدنی را توسعه داد و پیرامون آنان را تخلیه کرد. جوانان در معرض فاشیسم اجتماعی‌اند.

چشم‌انداز نفت، بازار ارز و معادلات جنگ

به همین دلیل در آستانه هر مرحله از تشدید درگیری‌ها، معمولا تلاش می‌شود یک روایت امنیتی شکل بگیرد که اقدامات بعدی را در قالب «پاسخ» و نه «تهاجم» بازتعریف کند. از دیگر سو، انتقادات گسترده رسانه‌ها، افزایش اعتراضات عمومی، شکاف در میان متحدان غربی اسرائیل و رشد فشارهای حقوقی علیه مقامات این رژیم نشان می‌دهد ادامه مسیر گذشته بدون تولید یک شوک امنیتی جدید دشوار خواهد بود. بنابراین طبیعی است رژیم فاسق به یک «هفت اکتبر» جدید برای توجیه جنایات بعدی خود نیاز دارد. وجود یک حادثه بین‌المللی با قابلیت انتساب به ایران می‌تواند ابزار مناسبی برای بازسازی مشروعیت اقدامات بعدی باشد. اگرچه تقریبا اغلب تحلیلگران مستقل این حوادث را بخشی از سناریوهای شناخته‌شده مוסاد تفسیر می‌کنند، گره اصلی این جنگ برای آمریکا و اسرائیل در جای دیگری قرار دارد. گره مرکزی این تقابل نه در آسمان ایران و نه در آب‌های خلیج فارس، بلکه در اقتصاد داخلی ایران تعریف شده است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده فشار خارجی زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که بتواند به نارضایتی اقتصادی داخلی تبدیل شود. به همین دلیل هدف راهبردی آمریکا و اسرائیل احتمالا خلق یک زنجیره به‌هم‌پیوسته از فشارهای اقتصادی است؛ زنجیره‌ای که از محدودسازی درآمدهای ارزی آغاز می‌شود، به بی‌ثباتی بازار ارز می‌رسد، سپس بازار کالا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت به نارضایتی اجتماعی منجر می‌شود و با ایجاد التهابات معیشتی و فضای درگیری‌های داخلی کشور، سناریویی که انتظار می‌رفت در استفاده پارسال فعال شود، مجددا فعال شود. در چنین سناریویی، افزایش نرخ دلار صرفا یک متغیر اقتصادی نیست، بلکه یک ابزار جنگی محسوب می‌شود. هر جهش ارزی باعث اختلال در نظام قیمت‌گذاری، توقف فروش، احتکار احتیاطی، کاهش نقدشوندگی بازار و افزایش نااطمینانی می‌شود. در این شرایط حتی بدون کمبود واقعی کالا نیز امکان ایجاد احساس کمبود در جامعه وجود دارد. یکی از اهداف کلیدی چنین راهبردی، شکستن پیوند میان عرضه و تقاضاست. زمانی که فروشندگان به دلیل نوسان شدید ارز از فروش خودداری کنند و واردکنندگان نسبت به جایگزینی کالا اطمینان نداشته باشند، بازار به سمت قفل‌شدگی حرکت می‌کند، وضعیتی که آثار روانی آن به مراتب فراتر از آثار واقعی اقتصادی خواهد بود. از همین منظر می‌توان برخی تحرکات دیپلماتیک اخیر را نیز تحلیل کرد. اگرچه در ظاهر مانع‌ر به سر مذاکره، آتش بس یا تردد دریایی است، در لایه عمیق‌تر، هر طرف تلاش می‌کند این پیام را منتقل کند که دست برتر را در اختیار دارد.

دقیقا به همین دلیل ترامپ علی‌رغم تمایل ایران به مذاکره در نیویورک، پیشنهاد بازگشایی تنگه هرمز را رد و سعی کرد این‌طور نشان دهد دست بالاتر را دارد. در صورتی که او پیش از این با موضوع مذاکرات بازی می‌کرد تا قیمت نفت را پایین بکشد، اما بعد از آنکه جی‌پی مورگان گزارش داد ۹۸ درصد عرضه نفت خلیج فارس به وضعیت پیش از جنگ بازگشته است و در گزارش کلیر هم تصریح شد تا اواسط اکتبر یعنی حدود دو هفته دیگر، درآمد نفتی ایران به نقطه پایان خواهد رسید و در نتیجه این مولفه‌ها فشار صعودی بر نرخ دلار در تهران بیش از پیش خواهد شد، ترامپ تصمیم گرفت روی اتفاقات کف بازار در تهران حساب باز کند. دقیقا به همین دلیل در جنگ‌های فرسایشی، تصویر قدرت گاهی از خود قدرت مهم‌تر می‌شود. هر سیگنالی که ضعف اقتصادی یا محدودیت منابع یک طرف را القا کند، می‌تواند بخشی از نبرد ادراکی بزرگ‌تر باشد. در نتیجه، آنچه امروز مشاهده می‌شود، بیش از آنکه نشانه آغاز قریب‌الوقوع یک روبروویی صرفا نظامی باشد، می‌تواند مقدمه یک عملیات ترکیبی چندلایه باشد؛ عملیاتی که هم‌زمان از ابزارهای رسانه‌ای، اقتصادی، روانی و امنیتی استفاده می‌کند. در چنین شرایطی مهم‌ترین وظیفه سیاست‌گذار نه صرفا مدیریت میدان، بلکه مدیریت انتظارات است؛ زیرا در جنگ‌های نوین، کشورها زمانی آسیب می‌بینند که روایت دشمن را بپذیرند؛ نه صرفا زمانی‌که با محدودیت‌های واقعی مواجه شوند. بر همین اساس، تثبیت بازار ارز، حفظ جریان عرضه کالاهای اساسی، ارسال سیگنال فراوانی به بازار، مقابله با شایعات اقتصادی و جلوگیری از گسترش انتظارات تورمی، شاید مهم‌تر از بسیاری از اقدامات دیگر باشد؛ زیرا اگر هدف اصلی ایجاد التهاب اقتصادی و اجتماعی باشد، خنثی‌سازی این جنگ روانی می‌تواند بخشی از راهبرد طرف مقابل را پیش از تحقق، بی‌اثر کند و ضرورت دارد تمام ارکان دولت با اشراف کامل به قدم‌های بعدی واشینگتن و تل‌آویو روی مقاوم‌سازی نقاط حساس متمرکز شود.

شرق: بازگشت تدریجی نفک‌ش‌ها به تنگه هرمز و احیای مسیرهای جایگزین، توان ایجاد اختلال در صادرات انرژی از مسیر خلیج فارس را کاهش داده است؛ اما هم‌زمان فشار تحریم‌ها، محاصره بنادر و بن‌بست دیپلماتیک می‌تواند وضعیت پرتنش میان واشینگتن و تهران را به تشدید دوباره درگیری نظامی سوق دهد. در هفته‌های اخیر، صادرات کشورهای خاورمیانه به سطح پیش از جنگ نزدیک شده است. با این حال، این بازگشت به معنای پایان بحران نیست. ایران هنوز توان ضربه‌زدن به کشتیرانی و مسیرهای جایگزین را دارد و از سوی دیگر، کشورهایی که طی ماه‌های گذشته برای دوزدن تنگه و کاهش وابستگی خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اکنون با ساختار انرژی متفاوتی وارد مرحله بعدی جنگ شده‌اند. الکساندر لانگلو، تحلیلگر سیاست خارجی و سردبیر ارشد DAWN که تمرکز بر ژئوپلیتیک غرب آسیاست، معتقد است کاهش اهرم فشار ایران نباید با نزدیک شدن تهران به تسلیم اشتباه گرفته شود. از نگاه او، فشار اقتصادی و نظامی حتی می‌تواند انگیزه برای تشدید درگیری را افزایش دهد. لانگلو در نشنال اینترتست می‌نویسد داده‌های شرکت اطلاعات کشتیرانی کلیر برای ماه سپتامبر نشان می‌دهد جریان نفت خام از تنگه هرمز به‌طور محسوس افزایش یافته است. در هفته منتهی به ۲۷ سپتامبر، حدود ۱۳.۲ میلیون بشکه نفت در روز از مسیر نزدیک سواحل عمان عبور کرده و مجموع صادرات نفت کشورهای خاورمیانه، به استثنای ایران، در ماه سپتامبر به دست‌کم ۱۶.۵ میلیون بشکه در روز رسیده است؛ رقمی که تا حد زیادی به سطح پیش از جنگ بازمی‌گردد.

بخشی از این تردد همچنان به‌سختی قابل ردیابی است. برخی کشتی‌ها برای کاهش احتمال شناسایی و هدف قرار گرفتن، سامانه‌های موقعیت‌یابی خود را خاموش می‌کنند و نیروی دریایی آمریکا نیز از عبور آنها حفاظت کرده و حملات را رهگیری می‌کند. این عملیات ارزان نیست؛ هزینه روزانه آن میلیون‌ها دلار برآورد می‌شود و هزینه کلی جنگ نیز به دهه‌ها میلیارد دلار رسیده است. حدود ۴۰ درصد نفت خام منطقه اکنون از مسیرهای جایگزین هرمز خارج می‌شود. بخش دیگری نیز با سامانه‌ای شبیه شاتل منتقل می‌شود که در آن نفتکش‌ها در نزدیکی فجیره و صحرای مستقر می‌شوند. خطوط لوله عربستان و امارات نیز سهم بیشتری پیدا کرده‌اند و خط لوله شرق-غرب عربستان به یکی از مهم‌ترین مسیرهای جایگزین تبدیل شده است.

با وجود حملات متعدد از یمن و عراق به این مسیرها و شبکه‌های تازه، کشورهای منطقه توانسته‌اند سریع‌تر از انتظار خود را با این حملات تطبیق دهند. عربستان فقط طی چند روز خط لوله شرق-غرب را تعمیر کرد و به ظرفیت کامل بازگرداند و تمایل شرکت‌های کشتیرانی برای عبور از هرمز نیز با وجود خطر حملات افزایش یافته است.

مسیری همچنان خطرناک

همین تحولات باعث شده برخی ناظران از محدودشدن توان ایران سخن بگویند. اما این تمام ماجرا نیست و به‌سادگی نمی‌توان چنین نتیجه‌ای گرفت. محاصره دریایی آمریکا صادرات نفت ایران را به‌شدت کاهش داده و واشینگتن هم‌زمان کارزار تحریمی خود را تشدید کرده تا فشار اقتصادی بر تهران را افزایش دهد. اما تهران تاکنون عقب‌نشینی نکرده است.

لانگلو دلیل اصلی را در برداشت تهران از ماهیت جنگ می‌بیند. از نگاه او، اولویت نخست حکومت ایران بقای نظام است. تصمیم‌گیران در تهران این جنگ را صرفا مناقشه‌ای بر سر نفت، پرورده هسته‌ای یا تنگه هرمز نمی‌بینند، بلکه آن را تهدیدی علیه موجودیت سیاسی خود تلقی می‌کنند. در چنین چارچوبی، تسلیم‌شدن در برابر فشار آمریکا لزوما امنیت آینده را تضمین نمی‌کند. مقام‌های ایرانی بارها از ترکیب «جنگ و دیپلماسی» سخن گفته‌اند و تجربه مذاکراتی که به گفته تهران با حملات بعدی آمریکا و اسرائیل همراه شد، بدینی آنها به توافقی که بدون تضمین امنیتی پایان یابد را افزایش داده است. لانگلو به سخنان مقام‌های دولت ترامپ درباره احتمال «روپاشی حکومت» در صورت خودداری ایران از مذاکره استناد می‌کند و معتقد است



ذخایر انرژی، مسیرهای جایگزین و تنوع تأمین، به ابزارهای تازه قدرت پس از تنش در خلیج فارس تبدیل شده‌اند

جهان پس از بحران هرمز

تهران همین اظهارات را نشانه‌ای می‌بیند که عقب‌نشینی می‌تواند فقط زمینه جنگ بعدی را فراهم کند.

نشانه‌های ادامه این مسیر در روزهای پایانی سپتامبر دیده شد. ۳۰ سپتامبر سه کشتی در حال عبور از هرمز هدف گرفته شدند و چند روز پیش از آن نیز یک کشتی دیگر مورد حمله قرار گرفته بود. این حملات پس از رد پیشنهاد دیپلماتیک ایران از سوی آمریکا در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل انجام شد. انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا نیز به این محاسبات اضافه شده است. در حالی که فقط حدود یک ماه تا انتخابات باقی مانده، دولت ترامپ با فشار سیاسی داخلی، هزینه جنگ و کاهش حمایت عمومی روبه‌رو است. لانگلو معتقد است تهران ممکن است این شرایط را فرصتی برای افزایش هزینه جنگ برای واشینگتن بداند؛ حتی اگر خودش نیز با بحران اقتصادی عمیق دست‌وپنجه نرم کند.

نفت به ۱۸۰ دلار نرسید

این مرحله تازه بر بستری شکل گرفته که طی ماه‌های گذشته ساختار انرژی جهان را تغییر داده است. هنگام آغاز جنگ ایران، برخی پیش‌بینی‌ها نفت ۱۳۰ تا ۱۸۰دلاری را در صورت بسته‌شدن طولانی هرمز محتمل می‌دانستند. نفت برنت پیش از جنگ ۷۲.۸۷ دلار بود، اما پس از بیش از شش ماه اختلال مؤثر، بالاترین سطح آن در ۴ می ۱۱۴.۴۷ دلار ثبت شد. ریچارد گری پژوهشگر برنامه اقتصاد مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) این فاصله میان پیش‌بینی و واقعیت را نشانه اهمیت آمادگی شناسایی اقتصادها می‌داند. آزادسازی ۴۰۰ میلیون بشکه از ذخایر اضطراری اعضای آژانس بین‌المللی انرژی، کاهش تقاضا و توسعه مسیرهای جایگزین از جهش شدیدتر قیمت جلوگیری کردند. اما هزینه واقعی بحران بسیار فراتر از قیمت نفت بود. کارخانه‌های ذوب آلومینیوم در قطر، بحرین و امارات متوقف شدند و اختلال در عرضه گوگرد، هلیوم، فسفات، نفتا و آمونیاک به بخش‌هایی از معدن، کشاورزی و خودروسازی سرایت کرد. بانک جهانی افزایش ۱۷درصدی شاخص قیمت فلزات و مواد معدنی در سال ۲۰۲۴ را پیش‌بینی کرده است.

در جست‌وجوی راه دیگر

کشورهای خلیج فارس از بحران یک نتیجه روش گرفته‌اند: وابستگی به یک گذرگاه دیگر قابل قبول نیست. عربستان در تلاش است سهم بیشتری از تجارت خود را از بنادر دریای سرخ، از جمله یمن و نوم عبور دهد. امارات نیز توسعه خطوط انتقال نفت به فجیره در ساحل دریای عمان را سرعت بخشیده است. کشورهای شورای همکاری هم شبکه‌های مشترک برق و راه‌آهن را گسترش می‌دهند. این مسیرهای جایگزین هم هدف قرار گرفته‌اند، اما سرعت تعمیر خط لوله شرق-غرب عربستان نشان داده است تنوع‌بخشی حتی اگر مصونیت کامل ایجاد نکند، هزینه و تأثیر حمله را کاهش می‌دهد. همین تجربه به شکل‌گیری ترتیبات سیاسی و امنیتی تازه نیز کمک کرده است. سوریه دوباره در محاسبات مسیرهای انرژی خلیج فارس به اروپا اهمیت پیدا کرده و توافقات منطقه‌ای میان کشورهایماند عربستان، ترکیه و پاکستان از تمایل بازیگران محلی برای ایجاد ساختارهایی خبر می‌دهد که الزاما حول محور آمریکا شکل نمی‌گیرند.

هزینه‌های متفاوت اروپا و آسیا

اروپا نیز بحران را به تنوع‌بخشی گسترده‌تر پیوند زده است. اتحادیه اروپا در کنار گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر، روابط تجاری خود را با هند، کانادا، کشورهای مرکوسور (بازار مشترک کشورهای آمریکای لاتین) و کشورهای آسیایی توسعه می‌دهد و در صنایع دفاعی نیز به دنبال کاهش اتکا به یک تأمین‌کننده است. هدف اروپا این است که تا سال ۲۰۳۰ دست‌کم نیمی از خریدهای دفاعی از داخل اتحادیه تأمین شود.

با این حال، وابستگی انرژی اروپا همچنان بالا باقی مانده و طولانی‌شدن اختلال در خاورمیانه حتی سیاست محدودکردن واردات انرژی روسیه را دشوارتر کرده است. اتحادیه اروپا در ماه ژوئن ۱.۹ میلیارد یورو سوخت فسیلی روسیه را خرید و مجارستان

گزارش

طرح عربستان

برای حمله به حوثی‌ها

عربستان سعودی در حال بررسی طرح یک عملیات نظامی علیه حوثی‌های یمن است که هدف آن عقب‌راندن این گروه از اطراف تنگه باب‌المندب و تأمین امنیت مسیر کشتیرانی دریای سرخ عنوان شده است.

به گزارش رویترز، شش مقام منطقه‌ای و غربی آگاه از این تدارکات گفتند عملیات احتمالی قرار است با محوریت نیروهای یمنی تحت حمایت ریاض در زمین و پشتیبانی هوایی عربستان انجام شود.

به گفته این منابع، آمریکا نیز اطلاعات مرتبط با تعیین اهداف، در اختیار عربستان قرار می‌دهد، اما انتظار نمی‌رود نیروهای آمریکایی یا دیگر متحدان ریاض به طور مستقیم در عملیات رزمی مشارکت کنند.

منابع مورد استناد رویترز برآوردهای متفاوتی از آغاز عملیات طرف یک هفته تا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در اوایل نوامبر ارائه کرده‌اند.

این تدارکات پس از پیشروی سریع حوثی‌ها در ماه سپتامبر انجام می‌شود. این گروه در جریان حملات خود در امتداد ساحل دریای سرخ، مناطقی از جمله شهر ساحلی ذباب و جزیره راهبردی پریم در تنگه باب‌المندب را تصرف کرد.

مقام‌های منطقه‌ای می‌گویند ریاض دو گزینه را بررسی می‌کند: عملیات محدود برای بازپس‌گیری مناطق پیرامون باب‌المندب یا حمله‌ای گسترده‌تر و هم‌زمان در چند جبهه. از جمله استان‌های البیضا، مارب، تعز و الجوف. بسته به گستردگی عملیات، ممکن است بیش از صد هزار نیروی یمنی بسیج شوند. باب‌المندب دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند و یکی از مسیرهای اصلی تجارت دریایی میان آسیا و اروپاست. اهمیت این گذرگاه در سال جاری و هم‌زمان با اختلال شدید در تردد از تنگه هرمز افزایش یافته است. حوثی‌ها در ماه جولای نیز از اعمال محاصره دریایی علیه عربستان خبر داده بودند.

رویترز همچنین گزارش داده است پاکستان و ترکیه تجهیزات نظامی در اختیار عربستان قرار داده‌اند. نیروهای پاکستانی مستقر در عربستان، مأموریت دفاعی از جمله حفاظت از مرزها و مقابله با موشک‌ها و پهپادها دارند و اسلام‌آباد تاکنون تصمیمی برای اعزام نیروهای رزمی به داخل یمن نگرفته است. فرانسه نیز قرار است برای حفاظت از شهر بندری یمن، تجهیزات و نیروهای دفاعی به عربستان اعزام کند.

در تحویلی دیگر، اسحاق دار، وزیر خارجه پاکستان اعلام کرد بیش از شش کشور برای پیوستن به «توافق دفاع مشترک مکه» اِبراز تمایل کرده‌اند، اما نام این کشورها را اعلام نکرد. دار همچنین گفت عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز نباید مشمول «هزینه یا هزینه خدماتی» باشد.

پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه روز هفتم آگوست توافق دفاع مشترک مکه را امضا کردند. براساس این توافق، حمله مسلحانه به هر یک از سه کشور، حمله به همه اعضا تلقی می‌شود. فرماندهان نظامی سه کشور نیز روز ۲۵ سپتامبر در ریاض دیدار و حملات حوثی‌ها به عربستان سعودی را محکوم کردند.

شماره: ۱۴۰۵/۶/۲۲۰ تاریخ: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

قوه قضائیه

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر راسی شماره ۱۱۲۷۴/۲۰۲۷۰۲۰۵۶/۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای مجید رحیمی محمد آبادی به شناسنامه شماره ۶۸۲ و شماره ملی ۱۹۱۱۴۶۷۴۴ صادره اصفهان فرزند عبدالعلی در ششادگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۸۵/۶۲متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۲۳۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو سه اعتراضی خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۸؛ ۱۴۰۵/۰۷/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۲۷۷۶۹۶ شناسه آگهی:

حمیدرضا خسروی – رئیس ثبت اسناد و املاک ۴۳۸۷

مدرک تحصیلی دیپلم

اینجانب بیتا خواجه محمدی

با کد ملی ۰۳۱۲۴۸۸۴۹۱ مفقود شده

و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پژو سفید مدل ۱۳۸۹

به شماره پلاک ۱۷ایران ۴۲۵۵۱۲

شماره شاسی NAAP۰۳ED۳BJ۴۷۷۵۹۰

و شماره موتور ۱۴۱۸۹۰۶۶۰۰۵

به نام مهدی فقیری کاراا

با کدملی ۶۳۸۹۸۹۷۵۷۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز پراید ۱۳۲ سفید مدل ۱۳۹۰

به شماره پلاک ۱۶ایران ۳۳۱۶۲۸

شماره شاسی S۱۴۲۲۲۹۰۲۹۲۹۸۸

و شماره موتور ۴۲۵۷۸۳۰

به نام **فاطمه حیدرزاده** با کدملی ۰۳۷۰۷۶۰۳۰۱

در ۱۴۰۴/۱۱/۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آگهی فقدان جواز حمل سلاح شکاری

بدین وسیله اعلام می گردد دفترچه/جواز حمل سلاح

متعلق به آقای احمد اسدی فرزند محمدنور به شماره ملی ۲۵۱۰۷۶۱۰۲۱

مربوط به یک قبضه سلاح گلوله زنی تکلول مدل گلنگدنی ساخت ایران

به شماره سلاح ۱۷۱۷۸ و شماره سریال مجوز ۹۹۳۲۶۴ مفقود گردیده

و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود مدارک مذکور را

به نزدیک‌ترین کلانتری یا اداره اسلحه و مهمات تحویل نماید.